

ایران و آرژانتین

بررسی روابط دیپلماتیک در دوره قاجار و پهلوی

حسین صفری^۱

چکیده

سابقه نخستین اقدام دولت ایران برای حضور در آمریکای لاتین و ایجاد روابط رسمی با کشورهای این قاره به ابتدای قرن بیستم میلادی بازمی‌گردد. این اقدام با برقراری روابط سیاسی با مکزیک، به‌عنوان اولین کشور آغاز شد. در ادامه ایران تصمیم به گسترش روابط خود با سایر کشورهای این ناحیه گرفت و آرژانتین را به‌عنوان مقصد دوم خود برگزید. برقراری رابطه سیاسی با این کشور از آمریکای جنوبی به ابتکار ایران صورت گرفت و به انعقاد عهدنامه دوستی و تجارت انجامید. در این مقاله کوشیده‌ایم به‌طور اجمالی و بر پایه اسناد وزارت خارجه دو کشور، روند شکل‌گیری روابط سیاسی ایران و آرژانتین را در دوره قاجار و پهلوی بررسی کنیم.

واژگان کلیدی:

ایران، آرژانتین، قاجار، پهلوی، روابط دیپلماتیک.

مقدمه

در گذشته، برای ایجاد روابط سیاسی متقابل میان کشورها، بُعد جغرافیا عاملی تعیین کننده بود. با پیشرفت بشر و اختراع وسایل نقلیه جدید، کم‌کم از میزان اهمیت عامل جغرافیا و بُعد مسافت کاسته شد که این امر در تمایل ایران برای برقراری روابط سیاسی خود با دیگر کشورها که در فاصله بسیار دورتری نسبت به کشورمان قرار داشتند، اثرگذار بود؛ به نحوی که ایران را بر آن داشت تا با کشورهای قاره آمریکا، به ویژه آمریکای لاتین، روابط خود را پایه‌ریزی کند. سابقه اولین تماس‌های ایران با کشورهای آمریکای لاتین به ۱۸۹۹م. برمی‌گردد که سفیر ایران در واشنگتن، اسحاق خان مفخم‌الدوله در قامت وزیرمختار ایران مأمور به امضای عهدنامه دوستی و تجارت با کشورهای آمریکای شمالی و جنوبی شد. مفخم‌الدوله مذاکرات جدی خود را با سفیر مکزیک آغاز کرد که در نهایت منجر به امضای قرارداد دوستی و تجارت با این کشور شد.

با توجه به بُعد مسافت و فاصله جغرافیایی ایران و کشورهای این قاره، طبیعی بود که شناخت و درک واضحی از کشورهای آن ناحیه برای دولت ایران وجود نداشت؛ با این حال، دولت به تدریج در صدد برآمد تا با دیگر کشورهای این ناحیه، از جمله آرژانتین و برزیل و شیلی نیز روابط خود را پایه‌ریزی کند.

پیشینه برقراری روابط دوجانبه بین ایران و آرژانتین به آغاز قرن ۲۰ میلادی بازمی‌گردد که در سال ۱۹۰۲م. با ابتکار عمل ایران شکل گرفت. در ادامه خواهیم دید که قراردادهای تحت‌تأثیر بحران‌های داخلی و تغییر سیاست‌های خارجی هر دو دولت قرار گرفت و باعث به‌وجود آمدن فراز و فرودهایی در روابطشان شد.

جزئیات و چگونگی برقراری روابط سیاسی میان دو کشور و همین‌طور علل وقوع این فراز و نشیب‌ها در مرادوات آن‌ها تاکنون بررسی نشده است که ما در این مقاله بر آنیم تا بر پایه اسناد وزارت خارجه دو کشور و متن قراردادهای مودت، این موارد را مورد تحقیق و بررسی قرار دهیم. شایان ذکر است که در روند همین بررسی‌ها می‌توان دریافت که دو کشور تا چه میزان در رعایت احترام و اقدامات متقابل کوشا بوده‌اند.

آغاز رایزنی‌ها در دوره قاجار

اواخر قرن ۱۸ میلادی قاجارها اداره کشور را بر عهده گرفتند. اوایل قرن بیستم بود که زمامداران قاجار تصمیم گرفتند روابط و تعاملات خود با کشورهای دنیا را گسترش دهند. قاره آمریکا یکی از همین مناطقی بود که در دستور کار ایران قرار گرفته بود. در سال ۱۸۸۸م. حاج حسین قلی خان معتمدالوزرا ملقب به صدرالسلطنه، به‌دستور ناصرالدین‌شاه برای افتتاح سفارت ایران در ایالات متحده، به واشنگتن اعزام شد (فصلنامه تاریخ روابط خارجی، ش ۵۶، پاییز ۱۳۹۲: ۶۹-۴۹). در میان کشورهای این قاره، ایران تنها در ایالات متحده نمایندگی سیاسی داشت که بعدها تصمیم به گسترش آن‌ها در کشورهای آمریکای لاتین گرفت. مأموریت گشایش باب مراودات با کشورهای آمریکای لاتین به اسحاق خان مفخم‌الدوله، سفیر وقت ایران در واشنگتن محول شد. وی نیز مکزیک را به‌عنوان نخستین کشور این منطقه برای مذاکرات برگزید؛ چراکه این کشور به‌منزله دروازه ورود ایران به مراودات با کشورهای جنوبی این قاره به حساب می‌آمد (همان).

پیش‌تر گفته شد که عامل جغرافیایی باعث به‌تعویق افتادن اولین تماس‌های دیپلماتیک میان ایران و کشورهای این منطقه از جهان شد. در این میان، روابط سلطنت قاجار و جمهوری آرژانتین نیز مستثنا نبود و تا اوایل قرن بیستم به تعویق افتاد که البته پایه‌ریزی آن هم به ابتکار عمل ایران بود؛ البته موقعیت آرژانتین در آن دوران و شیوه حضورش در دنیای بین‌الملل به‌نحوی باعث متمرکز شدن سیاست خارجی‌اش بر کشورهای اروپای غربی و به‌ویژه بریتانیا بود؛ بدین ترتیب خاورمیانه به‌عنوان اولویت در دستور کار سیاست خارجی آرژانتین مطرح نبود. اوایل قرن بیستم، دولت ایران هنری انتون^۱ بلژیکی را که در شهر بوئنوس آیرس ساکن بود، به‌عنوان کنسول افتخاری ایران نزد دولت آرژانتین معرفی کرد که با پذیرش آن‌ها روبه‌رو شد؛ او از ۱۴دی ۱۲۷۹/ ۴ژانویه ۱۹۰۱م. عهده‌دار این وظیفه شد.

در ادامه خط‌مشی‌های تهران که مبتنی بر افزایش حضور در عرصه‌های بین‌المللی بود، اسحاق خان مفخم‌الدوله با انتون مکاتبه کرد و او هم علاقه دولت ایران مبنی بر امضای یک قرارداد دوستی و تجارت با آرژانتین را به سمع وزیر خارجه وقت آرژانتین، آمانیکو آلقورتا^۲ رسانید. در متن این مکاتبه در شهریور ۱۲۸۰/ سپتامبر ۱۹۰۱ آمده است: «به‌منظور آغاز و ترغیب به افزایش تجارت با جمهوری آرژانتین، دولت [ایران] به من اجازه امضای یک قرارداد دوستی و تجارت با کشور مزبور

^۱. Henry Enthoven

^۲. Amanico Alcorta

را اعطا کرده است. استدعا می‌کنم که به طریق رسمی این قول را به سمع وزیر امور خارجه آمانیکو آلکورتا برسانید و از وی بخواهید تا اختیارات لازم برای امضای این قرارداد را در اختیار نماینده‌شان در واشنگتن قرار دهد. هر زمان که این قرارداد به سرانجام برسد، تاجران و کارگران ایرانی شروع به آمدوشد به آن کشور خواهند کرد. دولت ایران از اینکه دولت آرژانتین هم کنسول خود در تهران را معرفی نماید، خوشنود خواهد شد. در اوایل سال آینده آماده می‌شوم تا دیداری از جمهوری آرژانتین داشته باشم» (Todo es Historia, No. 607, Junio 2018, 61-78).

در حالی که کنسول افتخاری ایران در بوئنوس آیرس مقامات آرژانتینی را از این ابتکار عمل مطلع کرد، نمایندگی ایران در واشنگتن نیز همان دعوت‌نامه را به مارتین گارسیا مرو^۱ نماینده آرژانتین در ایالات متحده تحویل داد. سفارت آرژانتین در ایالات متحده در حال آماده شدن برای شرکت در دومین کنفرانس پانامریکانا در مکزیک بود و به نظر می‌رسد که در همین اثنا این پیشنهاد از بین رفته باشد (ibid).

پس از گذشت ماه‌ها و عدم دریافت پاسخ، دولت ایران در فروردین ۱۳۸۱/ آوریل ۱۹۰۲، باز هم تمایل خود را برای ترتیب‌دادن یک قرارداد دوستی با آرژانتین ابراز کرد. بر این اساس، تصمیم گرفته شد که ادواردو ویلده^۲، فرستاده فوق‌العاده و وزیرمختار آرژانتین در بلژیک، به‌عنوان کاردار و مأمور امضای قرارداد دوستی و تجارت با ایران منصوب شود. در ۲۱ ربیع‌الثانی ۱۳۲۰ق. / ۲۷ ژوئیه ۱۹۰۲م. قرارداد دوستی و تجارت در شهر اوستند^۳ بلژیک میان ایران، به نمایندگی اسحاق خان مفخم‌الدوله فرستاده فوق‌العاده و وزیرمختار ایران در ایالات متحده و جمهوری آرژانتین، به نمایندگی ادواردو ویلده امضا شد. این شهر ساحلی اقامتگاه تابستانی پادشاه بلژیک و همین‌طور یکی از مکان‌های مهم برای سران اروپا در سال‌های قبل از جنگ جهانی اول به شمار می‌رفت. با توجه به این موضوع، می‌توان گمان برد که مفخم‌الدوله برای تعطیلات و استراحت به این شهر سفر کرده و بدین ترتیب حضور فرستاده ایران در این شهر برای امضای این قرارداد، مغتنم شمرده شده بود. از طرف دیگر و با توجه به بلژیکی بودن کنسول افتخاری ایران نزد آرژانتین، می‌توان این موضوع را مدنظر قرار داد که وی با توجه به روابط و مراوداتش، بایی برای تسریع امضای این قرارداد شده باشد.

1. Martín García Merou

2. Eduardo Wilde

3. Ostende

قرارداد متشکل از مقدمه و ۸ ماده و به سه زبان فارسی، اسپانیایی و فرانسوی نگاشته شد و در مقدمه این عهدنامه آمده است:

جناب شوکت‌مآب جنرال ژولیو روکا، رئیس جمهور آرژانتین و اعلیحضرت مظفرالدین شاهنشاه ممالک ایران، بر این اتفاق یافته بودند که فی‌مابین مملکتین مزبورین وسایل داد و [استد] و محبت و روابط و مراودات و تجارت حاصل آید؛ لذا مقرر داشتند که عهدنامه دوستی و تجارت فی‌مابین دولتین مذکورین انعقاد یابد و برای انعقاد آن وکلایی منصوب فرمودند. جناب شوکت‌مآب رئیس جمهور آرژانتین، جناب جلالت‌مآب دکتر دون اواردو ویلده^۱ وزیرمختار و ایلچی مخصوص آرژانتین در بلژیک و هلند [را منصوب کردند]. اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه ایران، جناب جلالت‌مآب میرزا اسحاق خان وزیرمختار و ایلچی مخصوص در ممالک متحده آمریکای شمالی [را منصوب کردند]. وکلای مزبور پس از ارائه اختیارات کامل خودشان که به غایت مهم و مبسوط یافته شد، عهدنامه را مطابق فصول ذیل مقرر داشتند (آرشیو وزارت امور خارجه، مخزن معاهدات، عهدنامه مودت و دوستی و تجارت - ۱۹۰۲/۷/۲۷).

در ماده یکم این عهدنامه بر لزوم وجود «صلح همیشگی و دوستی تغییرناپذیر» میان جمهوری آرژانتین و شاهنشاهی ایران، شامل وارشان و جانشینان و شهروندان و اتباع تأکید شد که این نشان‌دهنده خواست دو کشور برای روابط دوستانه رسمی بود. ماده دوم به توافق دو طرف برای فرستادن نمایندگان خود به پایتخت و شهرهای اصلی دو کشور پرداخته بود. نکته درخور توجه این ماده، وجود قید کامله‌الوداد است: «نمایندگان هر دو کشور باید از همان حقوق، امتیازات، مزایا، مصونیت‌ها و معافیت‌هایی که به نمایندگان دیپلماتیک و کنسولی دیگر کشورها اعطا می‌شود، برخوردار باشند» (همان).

دولت کامله‌الوداد شرطی است که معمولاً در عهود تجاری ذکر می‌شود و به‌موجب آن هر یک از دولت‌های امضاکننده عهدنامه از تسهیلات گمرکی یا امتیازات تجاری که بعدها ممکن است به دولت دیگری اعطا شود، بهره‌مند می‌گردد و نیازمند تشریفات دوباره نیست. اعطای این قبیل امتیازات که غالباً در عهدنامه‌های صرفاً تجاری به چشم می‌خورد، نشان‌دهنده احترام ویژه دو کشور ایران و آرژانتین به یکدیگر است؛ زیرا سابقه اعطای چنین امتیازاتی فقط به عهدنامه دوستی و تجارت میان ایران و مکزیک که در تاریخ ۵ صفر ۱۳۲۰ ق. / ۱۴ مه ۱۹۰۲ م. امضا شد، محدود بود

¹. Eduardo Wilde

(فصلنامه تاریخ روابط خارجی، ش ۵۶، پاییز ۱۳۹۲، ۴۹-۶۹). نکته جالب دیگر که در ماده سوم این عهدنامه مشهود است، اعطای قید کامله‌الوداد به شهروندان و اتباع یکدیگر بود. ماده چهارم در خصوص تجارت آزاد متقابل بین دو کشور بود که در آن بر ورود آزاد کالاها به کشور مقابل تأکید شده بود. در این ماده نیز قید کامله‌الوداد ذکر شده بود. مواد ۵ تا ۷ به نحوه حل اختلاف پرداخته بود و معیار آن، زبان فرانسه در نظر گرفته شد. همچنین مقرر شده بود که این عهدنامه دو ماه بعد از امضای آن توسط طرفین لازم‌الاجرا شود. در ماده آخر هم ذکر شد که این عهدنامه به امضا و تصدیق رئیس‌جمهوری آرژانتین و شاهنشاه ایران رسیده است و وکلای منصوب‌شده به نمایندگی، مهر و امضا کردند.

همان طور که ذکر شد، جمهوری آرژانتین دومین کشور در آمریکای لاتین بود که با تهران روابط دیپلماتیک برقرار کرد. سومین کشور لاتین هم برزیل بود که در خرداد ۱۲۸۲/ ژوئن ۱۹۰۳م. روابط سیاسی‌اش را آغاز کرد. باقی‌مانده کشورهای این قاره، روابط خود را نزدیک به نیمه‌های دهه ۴۰ قرن بیستم که هم‌زمان با حکومت پهلوی بود، پایه‌گذاری کردند.

بر اساس قانون اساسی آرژانتین، قراردادهای خارجی نیازمند تصویب مجلس ملی و همین طور تأیید توسط قوه مجریه است. از مکاتبات واصله به وزارتخانه آرژانتینی می‌توان دریافت که تصویب هر چه زودتر این قرارداد توسط آرژانتین، برای ایران بسیار مهم بوده است: «همان طور که برخی تجارخانه‌های آرژانتینی برای تجارت شکر با ایران آماده هستند، به نظرم می‌رسد که اعلیحضرت شاهنشاه بسیار خشنود خواهند شد که این دادوستدها تا زمان تصویب قرارداد توسط دولت آرژانتین آغاز نشوند. امری که مدت‌ها پیش توسط دولت ایران انجام شده است» (AMREC, 1903, Caja52, DITRA Persia-1903). با این وجود، چند سال گذشت تا مجلس آرژانتین به این موضوع پرداخت. این امر در تاریخ ۱۲ اوت ۱۹۰۴م. و با تصویب قانون ۴۳۲۷ مجلس صورت گرفت و در ۲۵ فروردین ۱۲۸۴/ ۱۴ آوریل ۱۹۰۵م. توسط قوه مجریه نیز تأیید شد (Todo es Historia, No. 607, Junio 2018, 61-78).

این قرارداد علاوه بر برقراری روابط دیپلماتیک میان دو کشور، تجارت آزاد را نیز فراهم کرد. همچنین راه را برای ایجاد روابط تجاری میان دو کشور که به گفته تجار ایرانی از چشم‌انداز خوبی برخوردار بود، هموار می‌کرد. در جریان تصویب این قرارداد در مجلس نمایندگان آرژانتین، اظهارنظر

یکی از نمایندگان به نام اورما^۱ حاکی از آن است که تصویب و امضای این قرارداد که منشأ ایجاد روابط دیپلماتیک بین دو کشور است، بیشتر به یک اتفاق می‌ماند. در اظهارات او در ۲۱ مرداد ۱۲۸۳ / ۱۲ اوت ۱۹۰۴ م. آمده است:

این قرارداد دو سال پیش توسط وزیران مختار ایران و آرژانتین امضا شد. بدیهی است که اهمیتی کاربردی ندارد؛ دست کم فعلاً. سنا آن را تصویب کرده است و بدین ترتیب بر اقدام قوه مجریه صحنه گذاشت. کمیسیون تجارت خارجی هم بر این باور بود که باید تأییدش را اعلام کند تا با این کار روابط بین المللی آرژانتین را گسترش دهد؛ درحالی که امپراتوری ایران تاکنون با دیگر کشورها روابط چندانی مؤثری نداشته است و به جز برزیل و آرژانتین با هیچ کشوری از آمریکای جنوبی قراردادی را امضا نکرده است (Diario de Sesiones de la Cámara de Diputados, Año 1904, vol. 1, p. 805).

از گفته این نماینده مجلس آرژانتین چنین برمی‌آید که امضای اولین قرارداد این کشور با کشوری در خاورمیانه که در واقع آغازگر روابط دیپلماتیک آرژانتین با این منطقه بود، تقریباً یک امر مهجور و غیرضروری بوده است.

انتون بلژیکی تا سال ۱۲۸۶ ش. / ۱۹۰۸ م. سمت خود را حفظ کرد و بعد از آن دست از کار کشید (Todo es Historia, No. 607, Junio 2018, 61-78)؛ به دلیل اینکه دو کشور، نماینده معرفی نکرده و دفاتر سیاسی خود را نزد یکدیگر باز نکردند. رابطه دوجانبه بیشتر جنبه اسمی داشت تا عملی. در خصوص انجام مبادلات تجاری نیز سابقه‌ای ثبت نشده است. این موضوع بیانگر آن است که وضعیت داخلی ایران در آن دوره و جنگ جهانی اول، به‌علاوه بی‌میلی آرژانتین باعث شدند که روابط دو کشور در مسیر درست خود پس از امضای قرارداد وارد نشود و در نهایت با روی کار آمدن سلسله پهلوی و لغو کاپیتولاسیون، این عهدنامه پایان یافت.

سلسله پهلوی

پس از اینکه سلسله پهلوی با کنار زدن قاجارها حکومت بر ایران را به دست گرفت، روند اصلاحات و نوین‌سازی ایران توسط رضا شاه آغاز شد. حوزه سیاست خارجی کشور نیز دستخوش تغییراتی شد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به الغای نظام کاپیتولاسیون در

^۱. Orma

۱۳ اردیبهشت ۱۳۰۷ ش. / ۱۹۲۸ م. اشاره کرد. بر این اساس، دولت وقت ایران از تمامی قراردادهای خارج شد که قرارداد با آرژانتین هم از آن مستثنا نبود.

در همین خصوص، وزیرمختار ایران در واشنگتن، میرزا داود خان مفتاح مکاتبه‌ای با سفیر آرژانتین انجام داد که در آن آمده است: «تغییرات وسیع در ایران به موازات تحولی که در افکار عمومی پدید آمده، بر اساس شرایط و مقتضیات موجود دولت ایران در نظر دارد که در عهدنامه‌های موجود با دول کامله‌الوداد تجدیدنظر نماید» (وزارت امور خارجه، ۱۳۶۹: ۱۸-۹). مفتاح در ادامه اعلام می‌دارد: «به نمایندگی از دولت ایران تقاضا دارد که به اطلاع دولت آرژانتین برسد که بر اساس ماده ششم عهدنامه مزبور، دولت ایران آن را لغو نموده و خوشنود خواهد شد که دولت آرژانتین اقدامات مناسبی در جهت امضای قرارداد جدیدی با دولت به عمل آورد تا روابط دوستانه دو دولت و مردم ادامه داشته باشد [و متوقف نگردد]» (همان).

با تأمل در این مکاتبه درمی‌یابیم که تمایل برای ادامه روابط دیپلماتیک از جانب ایران است. سفیر آرژانتین در واشنگتن در پاسخ به این مکاتبه، در ۱۳ آبان ۱۳۰۶ / ۵ نوامبر ۱۹۲۷ م. خطاب به مفتاح اعلام می‌دارد که ابلاغیه دولت ایران را به سمع کشورش رسانده است و «دولت آرژانتین خیلی خوشوقت خواهد شد اگر دولت ایران پیمان‌نامه جدیدی در این مورد مطرح نماید و بدیهی است که در اینصورت پیمان‌نامه جدید را در کمال علاقمندی بررسی خواهد کرد» (همان).

بعدها میرزا داود مفتاح پیش‌نویسی از یک قرارداد دوجانبه برای مقامات آرژانتینی فرستاد؛ اما آرژانتینی‌ها هرگز پاسخی به آن ندادند. در اسناد مربوط به وزارت خارجه آرژانتین در شهریور ۱۳۰۶ / سپتامبر ۱۹۲۷ م. آمده است که «ایران منافع تجاری اندکی را در نظر گرفته است» (Todo es Historia, No. 607, Junio 2018, 61-78). این خود نمایانگر تمایل نداشتن طرف آرژانتینی برای ازسرگیری روابط است.

در ۲۰ بهمن ۱۳۱۳ ش. / ۹ فوریه ۱۹۳۵ م. باقر کاظمی وزیر امور خارجه ایران که در رم به سر می‌برد، به خوسه ماریا کانتلو^۱ اظهار داشت که دولت ایران در نظر دارد نماینده‌ای را نزد آرژانتین منصوب کند و انتظار اقدام متقابل دارد. وزیر خارجه آرژانتین پاسخ داد که به دلیل محدودیت‌های بودجه‌ای، افتتاح یک نمایندگی دیپلماتیک نزد ایران غیرممکن است (AMREC 1948-Irán, Telegrama No. 169, Roma, 1935, Caja 3530, DITRA Persia).

¹. José María Cantilo

با وجود عدم اقدام متقابل توسط آرژانتین، دولت وقت ایران، نادر آراسته را به‌عنوان سفیر مخصوص و وزیرمختارش نزد آرژانتین معرفی کرد. آراسته، متولد ۱۲۶۶ش. در تبریز، بزرگ‌زاده‌ای از سلسله قاجار بود که قبلاً در روسیه، بریتانیا، لهستان و آلمان مأموریت‌های دیپلماتیک انجام داده بود و در ایران هم مسئولیت‌هایی از جمله وزارت و فرمانداری را بر عهده داشت. در ۲۷ اسفند ۱۳۱۵ش. / ۱۸ مارس ۱۹۳۷م. در بوئنوس آیرس یک قرارداد دوستی با آرژانتین امضا شد که نمایندگی ایران بر عهده نادر آراسته و نمایندگی طرف آرژانتینی بر عهده وزیر امور خارجه‌اش، کارلوس ساودرا لاماس^۱ بود.

این قرارداد در پنج ماده و به سه زبان فارسی، اسپانیایی و فرانسوی تدوین شد. در ماده ۱ و ۲ بر توافق دو طرف برای برقراری روابط سیاسی و کنسولی مبتنی بر اصول معمول حقوق عمومی بین‌الملل تأکید داشت. در همین مواد آمده است: «نمایندگان سیاسی و کنسولی هر یک از مملکتین در خاک مملکت دیگر از حق کامله‌الوداد برخوردارند» (همان). در ماده ۳ هر دو کشور توافق کردند: «روابط کنسولی و تجاری و گمرکی و دریانوردی و همچنین شرایط اقامت و توقف اتباع خود در خاک یکدیگر را به‌وسیله قراردادهای مخصوص تنظیم نمایند». ماده ۴ این قرارداد به شیوه حل اختلاف پرداخته بود که طبق آن، هر دو دولت راه‌های سیاسی و مسالمت‌آمیز را برای رفع اختلاف برگزیده بودند. ماده ۵ نیز به زبان‌های نگارش این عهدنامه اشاره داشت و اعلام کرده بود که در صورت بروز اختلاف در تفسیر مواد قرارداد، متن فرانسوی ملاک خواهد بود (وزارت امور خارجه، ۱۳۶۹: ۱۸-۹).

در مقاله‌ای از روزنامه لا پرنسا^۲ در ۲۸ اسفند ۱۳۰۵ / ۲۰ مارس ۱۹۳۷م. در بوئنوس آیرس می‌خوانیم که امضای این قرارداد را بسیار مهم ارزیابی کرده است: «فقط با امضای این قرارداد، ما در گسترش و پراکندن نام آرژانتین در گستره‌ای بسیار دور از دنیای شرق کوشیده‌ایم که بدون شک ما را نمی‌شناسند؛ اما به‌دلیل نفوذ بی‌چون‌وچرای که ایران در فرهنگ و تمدن باستان دارا بود، ما اهمیت و جایگاه تاریخ، هنر و ادبیات این کشور را می‌شناسیم و آن را ارج می‌نهیم» (Todo es Historia, No. 607, Junio 2018, 61-78). این بخش از نوشته بسیار جالب، دیدگاه موجود در باره اهمیت جایگاه فرهنگ و تاریخ ایران را بازتاب می‌دهد.

1. Carlos Saavedra Lamas

2. La Prensa

فرستاده ایران، در نیمه اول ۱۳۱۶ش/۱۹۳۷م. به کشور بازگشت؛ اما بعداً به شیوه‌ای رسمی روشن شد که این اقدام در واکنش به معرفی نکردن فرستاده دیپلماتیک از سوی آرژانتین و تمایل نداشتن آن کشور به انجام این کار بوده است. بعد از آن، سفارت ایران در بوئنوس آیرس بسته و وظایفش به سفارت ایران در برزیل محول شد.

در شهریور ۱۳۲۱/ سپتامبر ۱۹۴۲م. سفارت آرژانتین در لندن گزارش داد که علی شیخ، به‌عنوان سفیر ایران نزد دولت آرژانتین انتخاب شده است و خواهان توافق مربوطه برای بازگشایی سفارت ایران است. آرژانتین سریعاً به این درخواست پاسخ داد و آن را رد کرد. این امر به دلیل عدم توانایی در اقدام متقابل بود. پس از پایان جنگ جهانی دوم و درست چند ماه پس از به‌قدرت‌رسیدن خوان دومینگو پرون^۱، سفارت آرژانتین در برزیل در ۸ تیر ۱۳۲۵/ ۲۹ ژوئن ۱۹۴۶م. گزارش داد که فرستاده ایران در این کشور از قصد دولت متبوع خود برای معرفی سفیر نزد دولت آرژانتین خبر داده است. در نهایت، قرارداد دوستی و تجارت میان ایران و آرژانتین در سال ۱۳۲۷ش/ ۱۹۴۸م. تأییدیه مجلس نمایندگان آرژانتین را گرفت و پس از کش‌وقوس‌های فراوان و گذشت ۱۲ سال از امضای این قرارداد، نمایندگی آرژانتین در ایران در همان سال گشایش یافت.

بعدها بنیتو یامبی^۲، نماینده وقت دولت آرژانتین در ایران ادعا کرد که رضا شاه، در بحبوحه جنگ دوم جهانی و اشغال ایران توسط قوای روس و انگلیس و همین‌طور برکناری و تبعیدش، آرژانتین را به‌عنوان مقصدش انتخاب کرده بود، امری که تأیید انگلیسی‌ها را نیز به همراه داشت؛ اما به‌یکباره دولت لندن نظرش را تغییر داد و او به جزیره موریس و سپس به آفریقای جنوبی تبعید شد (Todo es Historia, No. 607, Junio 2018, 61-78).

طبق اظهارات نُبرتو آکامه^۳، سفیر آرژانتین در ریودوژانیرو، ایران تمایل داشت که سفیر جدید در بوئنوس آیرس معرفی کند و همچنین پذیرفته بود که سفیر آرژانتین در مسکو به‌عنوان سفیر آکرديته در ایران انجام وظیفه کند. در همین خصوص، وزارت خارجه آرژانتین از سفرای کشورش در لندن و آنکارا خواست تا در خصوص وضعیت داخلی ایران و همین‌طور کشورهای که با تهران روابط سیاسی دارند، گزارش‌هایی را ارسال کنند. تنها سفارت آرژانتین در لندن به این درخواست پاسخی داد مبنی بر اینکه اوضاع کنونی ایران دشوار است و ایران را نمی‌توان کشوری با سیاست

1. Juan Domingo Perón

2. Benito Llabí

3. Norberto Accame

داخلی و بین‌المللی مستقل در نظر گرفت. این گزارش اما از ایجاد یک نمایندگی در تهران حمایت کرد، با این مضمون که در جمع‌آوری اطلاعات جنگ میان روسیه و بریتانیا و در سال‌های آتی ایالات متحده، مفید خواهد بود. در بهمن ۱۳۲۵ / فوریه ۱۹۴۷ م. آرژانتین به‌طور مطلوب و مساعد پاسخ داد که به‌جای انتصاب سفیر هم‌زمان، آماده است تا فرستاده‌ای مقیم در تهران معرفی کند. در ۲۵ بهمن ۱۳۲۵ / ۱۴ فوریه ۱۹۴۷ م. یدالله عضدی استوارنامه خود را به رئیس‌جمهور پرون تقدیم کرد. عضدی از ۱۳۲۱ ش. / ۱۹۴۳ م. به‌عنوان سفیر ایران در برزیل اقامت داشت و به سفیر اکرديته ایران در شیلی نیز منصوب شده بود.

نکته جالب‌توجه این است که آرژانتین در ۱۳۲۱ ش. / ۱۹۴۲ م. برای معرفی نماینده دیپلماتیک نزد دولت ایران بی‌تمایل بود و بعد در ۱۳۲۵ ش. / ۱۹۴۷ م. پیشنهاد به‌گشایش مقرر دیپلماتیک در تهران داد. دلایل این چرخش در تصمیم را می‌توان در تغییر سیاست‌های داخلی دولت آرژانتین جستجو کرد. در واقع، در طول دولت پرون بین سال‌های ۱۳۲۴ تا ۱۳۳۳ ش. / ۱۹۵۵ - ۱۹۴۶ م. آرژانتین تلاش کرد تا یک سیاست خارجی فعال را در پیش بگیرد و خاورمیانه هم از این قضیه مستثنا نبود. در فاصله بین سال‌های ۱۳۲۵ - ۱۳۲۳ ش. / ۱۹۴۷ - ۱۹۴۵ م. آرژانتین با مصر، سوریه، لبنان، اسرائیل، عربستان سعودی و ترکیه روابط دیپلماتیک برقرار کرد.

نیمه‌های ۱۳۲۶ ش. / ۱۹۴۸ م. مجلس ملی آرژانتین، قرارداد دوستی ۱۹۳۷ م. میان دو کشور را تأیید کرد و هم‌زمان به‌گشایش نمایندگی دیپلماتیک و انتصاب اولین فرستاده نزد تهران رأی داد. شناخت اعضای مجلس ملی آرژانتین از کشورمان را می‌توان در سخنان سناتور باویو^۱ در ۴ تیر ۱۳۲۷ ش. / ۲۵ ژوئن ۱۹۴۸ م. مشاهده کرد که گفت:

امپراتوری ایران یکی از کشورهای جالب و غنی خاورمیانه است که مهد تمدنی هزارساله است. همچنین تأثیری که این امپراتوری بر اتحادیه عرب دارد جای تردید ندارد؛ به همین دلیل برای آرژانتین چیزی جذاب‌تر از داشتن روابط دیپلماتیک با این کشور مهم و قوی در خاورمیانه نیست. مطلوب خواهد بود که نمایندگی ما در تهران به‌منظور کسب اطلاعات و شناخت بیشتر در خصوص امکانات تجاری و اقتصادی که امروزه بسیار لازم است، هرچه زودتر آغاز به کار کند. ذکر این مطلب بدین خاطر است که کشورهای اتحادیه عرب، از آن به بعد با کشورهای [قاره] آمریکا دارای همدلی خواهند بود؛ به‌ویژه با آرژانتین که میزبان خانواده‌های زیادی از این منطقه است؛ به‌ویژه زمانی که

¹. Bavio

کشورهای غربی - منظوم قدرت‌های جهانی است - هرگز با کشورهای اتحادیه عرب رفتاری برابر و همدلانه نداشتند. پس برای آرژانتین فرصت مغتنمی است تا روابطش را با کشورهای اتحادیه [عرب]، بر اساس نگاهی به تفاهم بهتر در سازمان ملل متحد، جایی که نمایندگان ایران هم حضور دارند، گسترش دهد (Sesión de la Cámara de Senadores de la Nación, Año 1948, Vol. 1, p. 706).

صحبت‌های سناتور باویو بر مبنای اغتنام فرصت در برقراری روابط با ایران بود؛ اما این تقسیم‌بندی و قرار دادن ایران در زمره کشورهای عرب ناشی از دو مسئله است: ۱؛ نداشتن شناخت کافی از کشور فارسی‌زبان منطقه، ۲؛ دسته‌بندی مبتنی بر دین اسلام که مسلمان بودن را الزاماً به‌منزله عرب‌بودن کشور ایران در نظر گرفته بود. در هر صورت تا آن زمان هم نمایندگان آرژانتین شناخت دقیقی و کاملی از ایران نداشتند.

دوران ریاست جمهوری پرون

همان طور که گفته شد، اولین فرستاده آرژانتین نزد دولت ایران، ادواردو کلمبرس مارمل که در ۲۱ مهر ۱۳۲۶ ش. / ۱۴ اکتبر ۱۹۴۷ م. به‌عنوان ریاست هیئت اعزامی به ایران منصوب شده بود، در ۱۶ اسفند ۱۳۲۶ ش. / ۷ مارس ۱۹۴۸ م. به تهران رسید. او در ۱۳ مهر ۱۳۲۹ ش. / ۱۵ اکتبر ۱۹۵۰ م. مأموریت خود را به اتمام رساند و به آرژانتین برگشت. بر اساس مکاتبات وزارتخانه آرژانتین در ۱۳۲۸ ش. / ۱۹۴۹ م. فرستاده آرژانتین ابراز ناخشنودی کرده بود که دولت ایران روابط با برزیل را بر آرژانتین ترجیح می‌دهد. مارمل اظهار کرده بود:

آرژانتین اولین کشور آمریکای لاتین بوده است که اقدام به برقراری روابط با ایران کرده است. در واقع در سال ۱۹۳۵ م. وزیرمختار ایران نادر آراسته در آرژانتین اقامت کرد و تا دو سال در آنجا ماند. در حالی که اخیراً در برزیل اقدام به انتصاب سفیر کرده اند؛ یعنی در ۱۹۴۳. در ضمن تعداد ایرانیانی که در آرژانتین زندگی می‌کنند دو برابر بیشتر از دیگر کشورهای آمریکای لاتین است. ایران ترجیح می‌دهد که برای برزیل، شیلی و آرژانتین یک مقر دیپلماتیک داشته باشد. پایتخت ما دو برابر بیشتر از برزیل جمعیت دارد و از نظر جغرافیایی هم در موقعیت بهتری در میان سه کشور داراست پس منطقی خواهد بود که این مقر دیپلماتیک در بوئنوس آیرس باشد (-AMREC 1948). (Irán, Caja 31, Cable 35, Año 1949).

دولت ایران این اعتراض را دریافت کرد و اظهار داشت که به دلیل محدودیت‌های بودجه‌ای امکان گشایش یک مرکز دیپلماتیک دیگر در آمریکای جنوبی را ندارد. این اعتراضات را هم می‌توان نمونه‌ای از فقدان عزم در ادامه روابط دیپلماتیک از جانب آرژانتین قلمداد کرد. اگر بخواهیم نگاهی گذرا داشته باشیم، ایران در ۱۲۸۰ ش. / ۱۹۰۱ م. کنسول افتخاری خود را به بوئنوس آیرس معرفی کرد. در ۱۲۸۱ ش. / ۱۹۰۲ م. به‌طور رسمی روابطش با آرژانتین را آغاز کرد. در ۱۳۰۶ ش. / ۱۹۲۷ م. قرارداد جدید دوستی و تجارت خود را به امضا رسانید. در ۱۳۱۳ ش. / ۱۹۳۵ م. سفیر مقیم در آرژانتین را معرفی کرد. در ۱۳۱۵ ش. / ۱۹۳۷ م. قرارداد دیگری را امضا کرد و در ۱۳۲۰ ش. / ۱۹۴۲ م. سفیر جدید مقیم در آرژانتین را معرفی کرد؛ اما آرژانتین در طول ۴۰ سال می‌توان گفت که عملاً دست به اقدام درخوری نزد و فقط زمانی که ایران سفیر خود در برزیل را به‌عنوان سفیر آکرديته نزد آرژانتین معرفی کرد، دولت این کشور نارضایتی‌اش را از عدم حضور سفیر مقیم در بوئنوس آیرس نشان داد.

در اسفند ۱۳۲۷ / آوریل ۱۹۴۹ م. دولت ایران درخواست خود برای معرفی حسن علی غفاری را به‌عنوان نماینده جدید خود نزد دولت بوئنوس آیرس اعلام کرد. حسن علی غفاری رئیس اداره تشریفات وزارت امور خارجه، رئیس تشریفات دربار و همین‌طور سفیر ایران در بلژیک بود و اکنون به‌عنوان سفیر دائم ایران در برزیل و سفیر آکرديته نزد آرژانتین و شیلی انجام وظیفه می‌کرد. او تا ۱۳۳۴ ش. / ۱۹۵۶ م. که سفارت ایران در آرژانتین بازگشایی شد، سفیر آکرديته باقی ماند. در این خصوص، مارمل در مکاتبه با دولتش اظهار داشت: «این اعتراض او بوده است که منجر به بازگشایی سفارت ایران در بوئنوس آیرس شده است؛ به‌نحوی که سفرای افغانستان، عراق، اردن و پاکستان که حاضر در آن جلسه بودند، همگی به‌سوی او آمده و پیشنهاد برقراری روابط دیپلماتیک با آرژانتین را ارائه کردند. بدین ترتیب نفوذ آرژانتین در خاورمیانه در حال گسترش است» (Todo es Historia, No. 607, 2018, 61-78).

دوره نخست‌وزیری مصدق

در ۱۱ آذر ۱۳۳۰ / ۳ دسامبر ۱۹۵۱ م. سفیر جدید آرژانتین در ایران منصوب شد. بنیتو یامبی^۱ یک نظامی نزدیک به رئیس‌جمهور پرون بود. در بحبوحه بحران نفتی میان ایران و بریتانیا،

^۱. Benito Llambí

تهران پیشنهاد فروش نفت به آرژانتین را مطرح کرد. دلیل آن را می‌توان در این موضوع جستجو کرد که آرژانتین در آن زمان، خط کشتیرانی مستقل و مخصوص به خودش را داشت و برای حمل نفت، به کشورهای دیگر به‌ویژه اروپایی‌ها وابسته نبود. این موضوع برای ایران مهم بود؛ زیرا در آن دوره شرکت بریتانیایی، فروش نفت ایران به خارج را تحریم کرده بود. نیمه اول ۱۳۳۱ ش./ ۱۹۵۲ م. هر دو کشور این موضوع را به مذاکره گذاشتند و در نهایت قراردادی دوسر سود برای آرژانتین به امضا رسید. امضای چنین قراردادی برای دولت دکتر مصدق در آن دوران که به ارز نیاز داشت، ضروری بود. در این قرارداد ایران روی قیمت نفت ۳۰ درصد تخفیف می‌داد و آرژانتین هم بهای آن را به وسیله کالا پرداخت می‌کرد (Todo es Historia, No. 607, Junio 2018, 61-78).

این قرارداد دیری نپایید و از جانب آرژانتین ادامه نیافت؛ دلیل ذکرشده‌اش هم تجدید قرارداد ۱۹۵۱ م. بریتانیا عنوان شد که به‌موجب آن، دولت بوئنوس آیرس می‌بایست ۴ میلیون تن سوخت از بریتانیا خریداری می‌کرد که جوابگوی نیاز کشورش بود؛ اما یامبی عنوان کرد که بوئنوس آیرس بی‌ثباتی دولت مصدق را در نظر دارد و این امری برای ادامه‌نیافتن قرارداد امضا شده است (ibid).

در ماه‌های آخر ۱۳۳۱ ش./ ۱۹۵۲ م. یامبی به شاه اظهار داشت که آرژانتین می‌تواند برای افسران ارتش ایران دوره‌های تکمیلی برگزار کند؛ اما ایران اصرار داشت که حتماً نیروهای هوایی هم در این همکاری مشترک قرار بگیرند؛ زیرا برای ایران بسیار مهم بود. این مسئله هم به دلیل فقدان علاقه از طرف آرژانتین به سرانجام نرسید. نکته‌ای که یامبی در خاطراتش از دلایل آن با عنوان «دارای توضیح دشوار» یاد می‌کند. ظاهراً میان محمدرضا شاه پهلوی و یامبی ارتباط نزدیکی وجود داشت. این را می‌توان از حضور وی در مراسم شام استقبال از بازگشت شاه به کشور پس از کودتا علیه مصدق و خانه‌نشینی او دریافت. در این مراسم تنها ۱۴ نفر حضور داشتند که یکی از آنان فرستاده دولت آرژانتین بود (ibid).

سقوط دولت مصدق، زمزمه امکان امضای قرارداد جدیدی برای فروش نفت ایران به آرژانتین را در ذهن متبادر می‌کرد؛ اما در نهایت این اتفاق رخ نداد. بدیهی است که قرارداد قبلی و مذاکرات برای عقد قرارداد جدید پس از سقوط دولت مصدق زیر فشار و دشمنی بریتانیا لغو شد.

تغییر در سیاست خارجی آرژانتین و همین‌طور بهبود در روابط بوئنوس آیرس - واشنگتن باعث کاهش چشمگیری در سطح روابط خارجی آرژانتین نه‌فقط با ایران بلکه با تمامی کشورهای

شد که در آمریکا و اروپای غربی نبودند. در واقع مقصود، اولویت‌بخشیدن به روابط با این کشورها و کنارگذاشتن دیگران بود.

خورخه کوین آیرزا^۱ از ۴ اردیبهشت ۱۳۳۵ / ۲۴ مارس ۱۹۵۶ م. تا ۲۸ خرداد ۱۳۳۷ ش. / ۱۸ ژوئن ۱۹۵۸ م. به‌عنوان رئیس هیئت آرژانتینی در تهران معرفی شد. اتفاق بارز این دوره، بازگشایی مقر دیپلماتیک ایران در بوئنوس آیرس بود. مصطفی سمیعی، فرستاده دولت ایران بین سال‌های ۱۳۳۵ و ۱۳۳۶ ش. / ۱۹۵۶ و ۱۹۵۷ م. مسئولیت نمایندگی کشورمان را بر عهده داشت. شاید این اقدام ایران را بتوان در قالب حضور بیشتر در عرصه‌های بین‌المللی تفسیر کرد.

ایران پس از سقوط دولت مصدق بیش از پیش مورد حمایت ایالات متحده قرار گرفت. این حمایت‌ها از یک طرف و نزدیکی بوئنوس آیرس و واشنگتن از طرف دیگر می‌توانست عاملی برای نزدیکی بیشتر دولت‌های ایران و آرژانتین باشد که دست‌کم نمایندگی‌ها را به سفارتخانه تبدیل کنند. این اتفاق در نهایت رخ داد و در مهر ۱۳۳۷ / اکتبر ۱۹۵۸ م. کارلوس گوستاوو لِرنا^۲ به‌عنوان اولین سفیر آکرديته ساکن تهران، نزد دولت ایران شروع به کار کرد. همچنین او به‌عنوان سفیر آکرديته افغانستان و پاکستان انجام وظیفه می‌کرد. لِرنا در ۱۴ تیر ۱۳۴۰ / ۵ ژوئیه ۱۹۶۱ م. مأموریتش را به اتمام رساند و پس از او، الیورو^۳ به‌عنوان کاردار، مسئولیت سفارت آرژانتین را بر عهده گرفت تا هنگامی که سفیر جدید، رومان سایوس^۴ در ۱۴ اسفند ۱۳۴۱ ش. / ۵ مارس ۱۹۶۳ م. به ایران آمد. او در گزارش‌های خود اوضاعی را که ایران در آن دوران با آن مواجه بود، دشوار قلمداد کرد؛ همانند وضعیتی که سفارتخانه آرژانتین در تهران با آن دست‌وپنجه نرم می‌کرد؛ به‌ویژه اینکه با محدودیت‌های مزمن بودجه‌ای روبه‌رو بودند.

با انتخاب ایلیا^۵ به ریاست جمهوری آرژانتین، خوسه ویسنته فریرا سواخه^۶ در ۱۰ دی ۱۳۴۳ / ۳۱ دسامبر ۱۹۶۴ به‌عنوان سفیر آرژانتین در ایران منصوب شد و این منصب را تا تیر ۱۳۴۵ ش. / ژوئن ۱۹۶۶ م. به عهده داشت.

1. Jorge Cullen Ayerza

2. Carlos Gustavo Lerena

3. Olivero

4. Ramón Sayus

5. Arturo Umberto Illia

6. José Vicente Ferreira Soaje

سفر شاه به آرژانتین

روابط دو کشور بدون تغییر شگرفی تا خرداد ۱۳۴۴ش / مه ۱۹۶۵م. ادامه یافت. در همین ماه بود که شاه ایران در سفری وارد آرژانتین شد. این دیدار در ادامه سفرهای او به کشورهای آمریکای لاتین بود که شامل مکزیک و برزیل هم می‌شد. این سفرها، اولین سفر عالی‌ترین مقام ایران به این منطقه به حساب می‌آمد.

در بدو ورود شاه به فرودگاه اسپینا^۱، ایلیا رئیس‌جمهور وقت آرژانتین به استقبال او رفت. مطبوعات آرژانتین در این سفر از تجملات و زیبایی فرح دیبا صحبت می‌کردند. از این زیبایی و تجملات به‌نحوی یاد می‌شد که «چشم‌ها را خیره کرده بود» (Todo es Historia, No. 607, (Junio 2018, 61-78).

نخستین روز به تبادل هدایا گذشت. شاه و همسرش نشان عالی صلیب لیبرتادور^۲ را دریافت کردند و رئیس‌جمهور آرژانتین نیز نشان عالی گردنبند سلسله پهلوی را هدیه گرفت. روز دوم هم به اهدای گل به آرامگاه ژنرال سن مارتین انرتیرو^۳، صرف ناهار و بازدید از کنگره ملی گذشت. در کنگره ملی، شاه سخنانی ایراد کرد و از محورهای اصلی روند اصلاحات و نوین‌سازی ایران صحبت کرد. در نهایت هم شاه یک نسخه مشابه از یکی از ستون‌های کاخ آپادانا را به کشور آرژانتین هدیه کرد.^۴

بعدها و در جریان یک سفر غیررسمی و گردشگری، همسر شاه به آرژانتین رفت و در باریلوچه^۵ اقامت گزید. در طی همین سفر، غلامعباس آرام وزیر وقت امور خارجه در دیدار همتای خود میگل آنخل ساوالا اورتیس^۶، توافقنامه همکاری‌های فرهنگی متقابل را به امضا رسانیدند. توافقنامه شامل موارد زیر بود: تقویت و گسترش روابط فرهنگی میان دو کشور در بخش‌های علمی و هنری، تقویت و پیشبرد تبادلات دانشجوی و استاد، پایه‌گذاری مراکز و مؤسسات فرهنگی، ایجاد مراکز آموزش و کرسی‌های دانشگاهی فارسی در آرژانتین و اسپانیایی در ایران، ترویج ترجمه آثار علمی از فارسی به اسپانیایی و بالعکس و گسترش گردشگری. (وزارت امور خارجه، ۱۳۶۹: ۱۸-۹).

1. Ezeiza

2. Gran Cruz del Libertador

3. General San Martín en Retiro

۴. شایان ذکر است که این ستون ۱۹متری اکنون در میدان ایران در محله پالمو شهر بوئنوس آیرس قرار دارد.

5. Bariloche

6. Miguel Ángel Zavala Ortiz

لازم به گفتن است که از این توافقنامه تقریباً چیزی محقق نشد و ذکر همین نکته کافی است که این توافق ۴ سال پس از امضا لازم‌الاجرا شد.

چند ماه پس از سفر شاه، رئیس شرکت ملی نفت آرژانتین در سفری که به ایران داشت، اعلام کرد که با ایران برای خرید نفتش در قبال گندم و امتیاز برخی چاه‌های نفت ایران به توافق رسیده است. اما این توافق به انجام نرسید؛ زیرا چند ماه بعد در آرژانتین کودتا رخ داد و دولت ایلیا سرنگون شد.

واپسین سال‌های حکومت پهلوی

در میانه برگزاری جشن‌های دوهزار و پانصد ساله در ۲۰ تا ۲۶ مهر ۱۳۵۰ش/۱۲ تا ۱۸ اکتبر ۱۹۷۱م. شاه، رئیس‌جمهور وقت آرژانتین، روبرتو مارسلو لونینگتن^۱ را به این مراسم دعوت کرد؛ اما او بنا بر پیشنهاد سفارت آرژانتین در ایران در این مراسم حضور نیافت. در این توصیه آمده بود که این قبیل مراسم در ایران اصلاً مرسوم نیست و بهتر است که دعوت رد شود (Todo es (Historia, No. 607, Junio 2018, 61-78).

در همین دهه، اولین همکاری‌های ایران و آرژانتین در زمینه هسته‌ای به‌وقوع پیوست. شاه در ۱۳۵۳ش. سازمان انرژی اتمی با مقاصد صلح‌آمیز را در ایران بنیان نهاد. نزدیکی او به ایالات متحده باعث شد که این برنامه بدون تعلیق پیش برود و ایران فراخوان همکاری بین‌المللی ارائه کند. آرژانتین در آن دوره از پیشرفت‌های خوبی در زمینه انرژی هسته‌ای برخوردار بود و همین امر در زمانی که ایران به‌دنبال شریک بین‌المللی می‌گشت، بوئنوس آیرس را به گزینه‌ای بسیار مناسب برای صدور این فناوری بدل کرد.

با به‌قدرت رسیدن هکتور کامپورا^۲ در ۱۹۷۳م. و تصمیم او برای تغییر و تحول در جایگاه مسئولان کشورش، رئیس سازمان انرژی اتمی آرژانتین نیز برکنار شد و بدین ترتیب ۷ نفر از دانشمندان هسته‌ای هم شغل خود را از دست دادند که پس از این اتفاق، توسط ایران به کار گرفته شدند. آن‌ها برای کار در حوزه‌های مختلف از جمله رآکتورهای تحقیقاتی و کشف ذخایر اورانیوم به ایران سفر کردند و قراردادشان قبل از انقلاب اسلامی در ۱۳۵۷ش/۱۹۷۹م. به اتمام رسید.

¹. Roberto Marcelo Levingston

². Héctor Cámpora

در سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب و به دلیل بی‌ثباتی‌های ناشی از تجمعات خیابانی، فرصت چندانی برای توسعه روابط نبود. تنها در تیر ۱۳۵۷ش./ ژوئیه ۱۹۷۸م. جمشید توللی به‌عنوان فرستاده جدید ایران در بوئنوس آیرس جایگزین عزیزالله اسکندری شد که از ۱۹۷۴م. عهده‌دار این منصب بود. جمشید توللی آخرین سفیر ایران دوره پهلوی در آرژانتین به حساب می‌آمد که در ۱۳۵۷ش./ ۱۹۷۹م. به دلیل وقوع انقلاب، مأموریتش را خاتمه داد و به کشور بازگشت.

نتیجه

همان طور که گفته شد، روابط دوجانبه بین دو کشور، زاده ابتکار عمل ایران و تمایلش برای گسترش ارتباطات به‌ویژه در بخش اقتصادی با کشورهای قاره آمریکا بود. از دید آرژانتین، این امر به‌عنوان یک امکان برای دستیابی به بازارهای جدید به حساب می‌آمد؛ اگر چه هرگز تصمیمات مقتضی را اتخاذ نکرد. در مقابل اما حضور یک کنسول افتخاری از جانب ایران در بوئنوس آیرس از همان اوایل قرن بیستم، نشانگر علاقه و تمایل تهران برای وجود این ارتباط است. می‌توان گفت که تا پایان دهه اول قرن بیستم، رابطه دوجانبه در نقطه‌ای مرده رها شده بود. روابط تجاری هم به مرحله اجرا نرسیدند و آرژانتین نیز تمایل اندکی برای تجارت با ایران در دوره قاجار از خود نشان می‌داد. روی کار آمدن سلسله پهلوی فرصت دیگری را به آرژانتینی‌ها داد؛ اما برقراری رسمی روابط تا سال ۱۳۰۵ش./ ۱۹۳۷م. که ایران در بوئنوس آیرس سفارتخانه‌ای افتتاح کرد، طول کشید. این سفارتخانه چندی بعد تعطیل و به برزیل منتقل شد؛ دلیلش هم عدم اقدام متقابل آرژانتین در خصوص انتصاب سفیر در تهران بود. این عدم تمایل تا زمان روی کار آمدن دولت پرون ادامه داشت. در این دوره، با تغییر سیاست آرژانتین مبنی بر حضور در عرصه‌های بین‌المللی، این کشور بالاخره اقدام به گشایش سفارت در ایران کرد. البته که این امر ناشی از توجه خاص به ایران نمی‌شد و صرفاً نشأت گرفته از تغییر سیاست کلی بوئنوس آیرس بود. از دهه ۵۰ تا دهه ۷۰ میلادی، مهم‌ترین مسئله صورت گرفته در روابط میان دو کشور، سفر شاه به کشورهای آمریکای جنوبی بود که نشان‌دهنده ابتکار عمل دیپلماتیک شاه در قبال نمایش اهمیت روزافزون کشورش در عرصه‌های بین‌المللی بود. در آغاز دهه ۷۰ میلادی، فناوری هسته‌ای محورهای جدیدی از روابط میان دو کشور را به وجود آورد. این نحوه از اهمیت‌های دوره‌ای در برنامه‌های خارجی دو کشور باعث شده بود تا هر کدام از آن‌ها از خطی‌مشی‌های بین‌المللی در روابط خود پیروی کنند؛ چرا که، نه می‌توان

گفت این ارتباطها به معنای واقعی کلمه، ارتباط دوجانبه محسوب می‌شدند و نه می‌توان گفت که دو کشور روابط دیپلماتیک نداشتند.

با برکناری شاه و روی کار آمدن جمهوری اسلامی ایران که در اندک زمانی با جنگ تحمیلی همراه شد، آرژانتین روابطش را با ایران از سر گرفت. خیلی زود ایران به یکی از خریداران اصلی غلات و روغن آرژانتین تبدیل شد. در طول جنگ تحمیلی هم آرژانتین برخی از اقلام نظامی ایران را تأمین کرد و همچنین دانشمندانش به همکاری‌های هسته‌ای خود با همکاران ایرانی‌شان ادامه دادند. بعدها با روی کار آمدن کارلوس مینم^۱ و تعلیق این همکاری‌ها که ناشی از تغییر سیاست خارجه بوئنوس آیرس بود، روابط دو کشور را بیش از پیش سرد کرد. اقدامات تروریستی در آرژانتین و انگشت اتهامی که به سمت ایران نشانه رفت نیز بیش از پیش این روابط را در سردی فرو برد. اگر چه ایران بارها و به کرات این اتهامات را رد کرد و آن‌ها را بی‌پایه خواند؛ اما کارساز نبود. به نظر می‌رسد با وجود تمایل ایران چه در زمان قاجار و پهلوی و چه پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای داشتن روابط کارآمد سیاسی و اقتصادی، روی کار آمدن دولت‌های غرب‌گرا در آرژانتین و تأثیرپذیری آن‌ها از خطمشی این دول، تأثیرات به‌سزایی در نوع و شیوه روابط دولت آرژانتین داشته و باعث شده است که این روابط به‌صورت تناوبی باشند.

منابع و مأخذ

اسناد:

آرشیو وزارت امور خارجه، اداره اسناد تاریخ دیپلماسی، سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۲۰ ق.
آرشیو وزارت امور خارجه، مخزن معاهدات، عهدنامه دوستی و تجارت، ۱۹۳۷/۳/۱۸

کتاب‌ها:

خیرمند، احمدرضا، ۱۳۹۳، *جامعه و فرهنگ آرژانتین*، تهران: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۹، *اسناد و معاهدات دوجانبه ایران با سایر دول*، جلد اول، تهران، واحد نشر اسناد.
آدینه‌وند، احمد، ۱۳۹۴، *تاریخ روابط ایران و آمریکای لاتین*، تهران، اداره نشر وزارت امور خارجه.

¹. Carlos Menem

نشریات:

فصلنامه تاریخ روابط خارجی، ش ۵۶، پاییز ۱۳۹۲، ۴۹-۶۹

لاتین:

AMREC, Carta del cónsul Enthoven al ministro de Relaciones Exteriores y Culto, Joaquín V. González, Buenos Aires 20 de agosto de 1903, Caja 52, DITRA, Persia-1903.

AMREC 1948-Irán – Caja 31, Colombres Mármol a Cancillería, Cable 35, 12 de marzo de 1949.

Barelli, Claudia: *La política exterior Argentina durante las dos primeras presidencias de Juan Domingo Perón: aspectos doctrinarios de la relación entre política interior y política exterior*. Bs. As. Dunken, 2008

Amores Carredano, Juan Bosco(coord.): *Historia de America Latina*, Ariel, S.A. Barcelona, 2006

Revista Iberoamericana de Filosofía, Política y Humanidades, año 14, n° 28. Segundo semestre de 2012, Pp. 155-178.

Cuaderno de política exterior Argentina, julio-septiembre 2010, No. 101, pp 1-34
<http://todoeshistoria.com.ar/DigiTeH/607.SUM.html>

Diario de Sesiones de la Cámara de Diputados, Año 1904, vol. 1, p. 805.

Diario de Sesiones de la Cámara de Senadores de la Nación, sesión del 25 de junio de 1948, Año 1948, vol. 1, p.706.